



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
در رشته الهیات - کلام اسلامی

عنوان پایان نامه:

**نقد و بررسی قلمرو دین اسلام بر مبنای آرای دین شناسانه‌ی
آیت‌اله سبحانی**

استاد راهنما:

دکتر غلامحسین احمدی آهنگر

استاد مشاور:

دکتر معروفعلی احمدوند

پژوهشگر:

حمید کردلو

مهر / ۱۴۰۰

تبریز / ایران

دستورالعمل پایه آیین‌نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها

تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب دانشجوی حمید کردلو متعلق کارشناسی ارشد در رشته الهیات که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۰ از پایان نامه/ رساله خود با عنوان:
نقد رو بررسی قلمرو دین اسلام بر مبنای آرای دین شناسانه ی آیت اله سبحانی

دفاع می کنم، متعهد می شوم:

- این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش خودم بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی دیگران (اعم از کتاب، مقاله، پایان نامه و ...) استفاده کرده ام، اصل امانت داری را کاملاً رعایت نموده و مطابق مقررات، در متن ارجاع داده، و مشخصات آن را در فهرست منابع و مأخذ درج کرده ام.
- تمامی یا بخشی از این پایان نامه/ رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی، در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- مقالات مستخرج از این پایان نامه/ رساله کاملاً حاصل کار اینجانب بوده و از هر گونه جعل داده ها یا تغییر اطلاعات پرهیز نموده ام.
- از چاپ تکراری مقالات مستخرج از این پایان نامه/ رساله در نشریات گوناگون خودداری نموده و می نمایم.
- کلیه حقوق مادی و معنوی مربوط به این پایان نامه/ رساله متعلق به دانشگاه شهید مدنی آذربایجان بوده و متعهد می شوم هرگونه بهره مندی و یا نشر دستاوردهای حاصل از این تحقیق، اعم از چاپ کتاب، مقاله، ثبت اختراع و غیره (چه در دوره دانشجویی و چه بعد از فراغت از تحصیل) یا کسب اجازه از تیم استادان راهنما و مشاور و حوزه پژوهشی دانشگاه باشد.
- در صورت احراز و اثبات تخلف (در هر زمان) تابع نظر کمیته بررسی تخلفات پژوهشی دانشگاه خواهم بود و هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی (دانشجو): 

تاریخ و امضاء:

۱۴۰۰، ۱۱، ۲۸

توجه: لطفاً این برگه پس از تکمیل، موقع درخواست مجوز دفاع، به عنوان ضمیمه پایان نامه (بعد از صفحه عنوان)، به اداره تحصیلات تکمیلی ارسال گردد.

F-0420-13/01

تقدیر و تشکر

با تشکر و سپاس فراوان از استاد محترم دکتر احمدی آهنگر و مشاور عزیز دکتر احمدوند که بنده را در انجام این پژوهش مساعدت نمودند.

بر خود لازم می‌دانم که از تمام اساتیدی که در طول دوران تحصیل از محضر آنان کسب علم نمودم تقدیر و تشکر نمایم و نیز از استادی که زحمت داوری این پایان را متقبل شدند تشکر و قدردانی نمایم.

چکیده

دین بزرگترین حقیقت زندگی است و برای بشر یک امر ضروری و یک حاجت حقیقی است و برای تمام شیئون مادی و معنوی انسان حکم دارد. در این هستی پر رمز راز، دین رازگشایی می کند و خلاء معنوی انسان را چه در هستی وجودی خویش و چه در سایر عرصه های زندگی بشر پر میکند و در عرصه ی اخلاق پشوانه ی نیکویی برای ارزشهای اخلاقی است و ضمانت اجرایی اطمینان بخشی است. در عرصه اجتماعی نیز دارای بینشی اجتماعی است و در سعادت انسان نقش به سزایی دارد. در عرصه مطالعات و پژوهشهای دینی، دین از زاویه های گوناگون مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و به موازات پیشرفتهای علمی بشر در رشته های مختلف علوم، دیدگاهها، رویکردها و فرضیه های نوینی نیز در حوزه دین و الهیات رخ نموده است. یکی از مهمترین محورهای مباحث کلامی دینی معاصر در جهان اسلام، مبحث قلمرو دین و جامعیت دین است که به دغدغه های اجتماعی در حکومت دینی پاسخ می دهد. در این مقاله ما درصدد بیان نظر آیت اله سبحانی بر آمده ایم تا نظرایشان را در باب قلمرو دین و جامعیت و گستره ی آن بیان کنیم. ایشان در آثار خویش مسئله قلمرو دین و جامعیت را مورد بررسی قرار داده است در خصوص قلمرو دین از نگاه کلامی، به طور کلی دو رویکرد حداکثری و حداقلی وجود دارد. که ایشان نظر حداکثری را پیش گرفته و به آن قائل می باشد و ایشان با استناد به آیات قرآن و حدیث بر نظر خود صحه گذاشته و آن را اثبات می کند توجه به ای جامعیت کمال و سعادت دنیوی و اخروی را به دنبال خواهد داشت.

واژه های کلیدی: دین، جامعیت دین، قلمرو دین، سبحانی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق	۲
۱-۱ مقدمه	۲
۲-۱ تعریف و بیان مساله	۳
۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق	۶
۴-۱ پیشینه نظری تحقیق	۶
۵-۱ سؤاها	۶
۶-۱ فرضیه‌ها	۷
۷-۱ روش انجام تحقیق	۷
۸-۱ روش گرد آوری اطلاعات	۷
فصل دوم: مفهوم دین و جامعیت و قلمرو آن	۸
۱-۲ مفهوم دین	۹
۲-۲ نگاه اندیشمندان معاصره دین	۱۱
۳-۲ جامعیت دین	۱۳
۱-۳-۲ جامعیت دین در آیات و روایات	۱۴
۱-۱-۳-۲ نظریه نخست جامعیت حداکثری	۱۵
۲-۱-۳-۲ نظریه دوم. جامعیت حداقلی قرآن	۱۵
۳-۱-۳-۲ نظریه سوم. جامعیت مقایسه‌ای	۱۶
۴-۱-۳-۲ نظریه چهارم. عدم جامعیت قرآن	۱۶
۴-۲ علت شکل گیری نظریه عدم جامعیت دین اسلام	۱۷
فصل سوم: جامعیت و قلمرو دین در نگاه آیت الله سبحانی	۱۹

- ۳-۱- قلمرو دین ۲۰
- ۳-۲- آیات قرآن در باب قلمرو دین ۲۳
- ۳-۳- مفهوم دین از نظر آیت‌الله سبحانی ۲۶
- ۳-۴- قلمرو دین از منظر آیت‌الله سبحانی ۲۹
- ۳-۵- رویکردها و روش‌های رایج در بحث «قلمرو دین» ۳۶
- ۳-۶- جامعیت دین اسلام از نگاه آیت‌الله سبحانی ۴۴
- ۳-۷- گوهر مشترک دین ۴۸
- ۳-۸- راز جاودانگی شریعت اسلام ۴۹
- ۳-۹- ایدئولوژیک بودن دین اسلام و رابطه آن با جامعیت ۵۲
- ۳-۱۰- اثبات جامعیت از طریق فطرت و رابطه آن با ایدئولوژی ۵۴
- ۳-۱۱- خاتمیت و رابطه آن با جامعیت دین ۵۷
- فصل چهارم: نتیجه‌گیری ۶۱
- ۴-۱- نتیجه‌گیری ۶۱
- منابع و مراجع: ۶۵

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

بحث قلمرو دین و گستره پاسخگوی آن به نیازهای انسان امروز یکی از موضوعات مهم دین‌شناسی و فلسفه دین تلقی می‌شود. از سالهای قبل تا به حال، اندیشمندان اسلامی در نوشته‌های مختلف کلامی و فقهی خود از موضوع قلمرو دین بسیار نوشته و سخن رانده‌اند. از آنجاییکه بحث در مورد این موضوعات در سال‌های گذشته برای دانشمندان اسلامی یک موضوع جدی و همه‌شمول نبوده است و آنها لزومی برای بررسی آن نمی‌دیدند؛ لیکن در عصر حاضر، موضوعات مرتبط با مبانی و مواضع دین در عرصه زندگی اجتماعی و شناخت قلمرو هدایت آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. لذا طرح موضوع قلمرو دین از جهات زیادی لازم و ضروری است چرا که:

الف) شناسایی قلمرو دین نقش مهمی در ساختار توزیع قدرت و نظام سیاسی و فرهنگی و اقتصادی هر جامعه‌ای دارد. به عنوان مثال اگر ما نتوانیم قلمرو گسترده‌ای برای دین در نظر نگیریم؛ نمی‌توان از ولایت عام و فراگیر سخن گفت.

ب) نظریه اینکه علوم دارای روش‌های چندگانه هستند، به ویژه علوم انسانی و با توجه به قبول کردن مقوله‌ای به نام علم دینی لزوم بحث قلمرو دین را دوچندان می‌کند، زیرا قادر نخواهیم بود از انحصار علوم تجربی به روش حسی و استقرایی و علوم فلسفی به روش عقلی و علوم تاریخی به روش نقلی سخن برانیم. همه علوم و دانش بشری از روش‌های متعددی استفاده می‌کنند و روش درون‌متون دینی نیز، یکی از مهمترین روش‌های کسب معرفت به حساب می‌آید.

ج) این بحث در جامعه کشور ایران و حکومت اسلامی که سردمدار حکومت دینی نوین به شمار می‌رود ضرورت بیشتری دارد؛ چرا که معرفی دقیق و کامل این نظام دینی تنها با تعیین قلمرو دین قابل دسترسی است.

۲- موضوع قلمرو دین دارای دو رویکرد اصلی می‌باشد: رویکرد حداقلی و رویکرد حداکثری

رویکرد حداقلی: به این معنی است که دین برای برآورده کردن حداقل نیازهای انسان آمده است. به عبارتی، دین به موضوعات دنیوی و زندگی اجتماعی انسان‌ها نمی‌پردازد و در اصل، اداره جامعه و برنامه‌ریزی توسعه و تکامل اجتماعی به خود انسانها و عقلانیت آنها سپرده شده است و مقوله دین تنها، یک ارتباط معنوی بین انسان و خداوند بوده و می‌تواند سعادت اخروی انسان‌ها را تامین نماید.

رویکرد حداکثری: در این رویکرد اعتقاد بر این است که دین برای کلیه ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و سیاسی زندگی انسان برنامه داشته و در تمامی دوره‌های زندگی انسان اعم از دنیا و آخرت نقش مهمی ایفا می‌کند. مقوله دین هیچکدام از ابعاد وجودی انسان و دوره‌های مختلف زندگی وی را فراموش نکرده و به آنها پرداخته است و برای کلیه شئون زندگی بشری حتی قبل از تولد و دوران جنینی او دارای آموزه‌های نورانی بوده و راهکارهای روشن ارائه داده است.

۱-۲ تعریف و بیان مساله

مسئله قلمرو دین و گستره آن و به تبع آن مساله جامعیت یا عدم جامعیت دین اسلام از مسائل نو پدید در فلسفه دین معاصر است که چندی است اذهان دین‌شناسان را به خود مشغول کرده است.

به اینکه دین چه ابعادی از وجود انسان را پاسخ گو است و به نیازهای کدام بعد وجودی انسان پرداخته است؟ پاسخ‌های مختلف و متنوع داده شده است. با توجه به اهمیت مسئله، اقتضا می‌کند که در زمان معاصر دین‌شناسان به صورت مستقل و در فصول جداگانه بدان بپردازند و از منظر انسان‌شناسی و دین‌شناسی جدید، مسئله را مورد بررسی قرار دهند.

مخاطب دین انسان است و در جهت سعادت انسان نازل شده است، لذا مسئله قلمرو دین بدون انسان‌شناسی و بررسی ابعاد وجودی انسان ابتر و ناقص خواهد بود و اساساً در دوره‌های جدید و معاصر با دگرگون شدن انسان‌شناسی سنتی قدیم، مسئله جامعیت و قلمرو دین مطرح گردیده است؛ به همین دلیل بر دین‌شناسان معاصر فرض است که مقدم بر پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق، شناختی از انسان داشته باشند.

در دوره معاصر آقای سبحانی در آثار مختلف خویش در ضمن مباحثی از کلام سنتی مسئله قلمرو و جامعیت دین اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند. (سبحانی، بی تا: ۱۸۲-۱۸۵). هر چند اهمیت مسئله اقتضاء می‌کرد که بر خلاف کلام سنتی، مفصل‌تر و مستقل بدان پرداخته شود اما در آثار ایشان همچنان با سبک و سیاق کلام سنتی مساله مطرح گردیده است.

قبل از بررسی دیدگاه آقای سبحانی باید متذکر شویم که هدف این پژوهش این نیست که دین‌شناسان در خصوص قلمرو و گستره دین چه نظری دارند؟ چه بسا ادعاهایی ممکن است مطرح شود که دین در آن باب ساکت باشد و یا آنکه برخلاف آن نظر داده باشد. مساله این است که بر مبنای نصوص و حیانی و برنامه‌های ارائه شده در متن دین، قلمرو آن تا کجاست؟ پاسخ به این پرسش در عین آنکه از تحلیل‌های عقلانی کمک می‌گیرد مستلزم مراجعه به نص قرآنی نیز هست به اصطلاح، نقل هم باید همانند عقل در برابر پرسش فوق

ساکت و صامت نباشد، در غیر این صورت هر دین‌شناسی می‌تواند ادعایی بکند، هر چند مطلوب و محبوب دینداران باشد اما از حیث متون وحیانی قابل تایید نباشد.

بخشی از ادله و نظر آقای سبحانی را باید در ضمن مسایل کلامی یافت؛ از جمله در مساله نبوت عامه و ادله ضرورت بعثت دلایلی اقامه می‌کند که قلمرو دین از آن قابل استنباط است البته ادعای مشارالیه شمول قوانین اسلام بر همه موضوع‌های گذشته و حال است و برای قوانین اسلام جامعیت و گسترش خاصی قایل است (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱). با مقایسه دین اسلام با مسیحیت و یهودیت ادعا دارند که اسلام با واقع بینی خاص هم به جهات روحی و معنوی انسان توجه کرده و هم به جهات مادی و جسمانی و برای هردو جهت احکام و قوانینی آورده است (سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۸-۱۶۷). و در شناساندن نبوت، تدبیر و چاره اندیشی زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها را از جمله وظایف و اهداف نبی دانسته و در نتیجه نبوت را فقط متوجه حیات اخروی نکرده‌اند (سبحانی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۸). همه موارد فوق را می‌توان از باب ادعا پذیرفت آنچه اهمیت دارد استناد به نص دینی و اقامه دلایل است. مهمترین دلیلی که در لزوم بعثت یاد می‌کنند نیازمندی جوامع بشری به قانون کامل است. این دلیل که در لسان برخی فیلسوفان مسلمان از زمان افلاطون تا امروز بر مبنای بعد اجتماعی انسان اقامه شده، با بررسی ابعاد وجودی انسان، نیاز او به جامعه را ناشی از میل فطری و طبیعی دانسته‌اند که انسان همواره تمایل به آن داشته است اما همین میل به جامعه در عین آن که ملازم با اجتماعی شدن انسان است، اسباب تفرقه و تشتت نیز می‌شود لذا هم قانون‌گذار و هم قانون باید از خصوصیت ویژه‌ای برخوردار باشند که نزد دین‌شناسان، فقط خدا می‌تواند قانون‌گذار کامل و قانون او جامع و کامل باشد و همه ابعاد وجودی انسان را در بر گرفته باشد. بنابراین استقرار زندگی اجتماعی مبتنی بر قانون الهی است و در پایان به آیه ۲۵ سوره حدید استشهد می‌کند. (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ) در این آیه از جمله اهداف انبیاء را انزال میزان دانسته است تا مردم اقدام به برقراری عدالت (اجتماعی) بکنند (سبحانی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۱-۲۴۹) اولاً این نوع استدلال "همگانی و همیشگی بودن نبوت را به دست نمی‌دهد چرا که هرگز به جهات فردی بشر که به مشارکت اجتماعی نیاز ندارد توجه نکرده است" (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۷). ثانیاً بر مبنای دلیل فوق باید پذیرفت زمانی که بشر دوران کودکی را می‌گذراند و هنوز وارد عرصه اجتماعی نشده و بلکه زندگی اجتماعی شکل نگرفته نباید دین آن قلمرو را پوشش داده باشد.

ثالثاً آیه‌ای را که جناب آقای آیت الله سبحانی در اهداف اجتماعی نبوت دانسته‌اند از نظر برخی دیگر از دین‌شناسان به لحاظ آن که فاعل یقوم خود انسان است نه نبی، لذا عدالت اجتماعی بر عهده انسان گذاشته

شده است تا با برنامه‌ای مدون و راهکاری مشخص بدان دست یابد؛ نه آنکه شخص پیامبر یا دین منزل مسئولیت بعد اجتماعی انسان را عهده‌دار باشد. (بازرگان، ۱۳۷۷: ص. ۷۳)

دلیل دومی که آقای سبحانی در گسترده‌گی قلمرو دین اقامه می‌کند مبتنی بر نشان دادن قصور علوم انسانی در تشخیص مصالح و مفسدات حیات انسانی است. از نظر ایشان علوم انسانی علی‌رغم پیشرفت‌های شگرفشان هم چنان ناقص و ناکافی هستند و توانایی تشخیص مصالح و مفسدات حیات انسانی را ندارند. برای اثبات این ادعا در کتاب محاضرات فی الهیات به ذکر چند مصداق بسنده می‌کنند از جمله در حوزه علوم اقتصادی به انواع حکومت‌های کمونیستی، سرمایه‌داری مثال می‌زنند که هنوز نتوانسته‌اند به یک نظام اقتصادی جامع و کامل دست یابند. مثال دوم مربوط به حوزه اخلاق است که تاکنون علماء اخلاق نتوانسته‌اند در حوزه اخلاق هماهنگ به یک شیوه اخلاقی واحد دست یابند (سبحانی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۳). و اگر در برهه‌ای از تاریخ فلسفه (فلسفه یونان) با فیلسوفانی مواجه می‌شویم که حقایق را یافتند؛ از نظر سبحانی به این دلیل است که در پرتو تعالیم انبیا توانستند حقایق را بیابند.

ظاهر استدلال فوق نشان می‌دهد که قلمرو دین همه ابعاد فردی و جمعی را پوشش می‌دهد و بر خلاف دلیل نخست فقط بعد دنیوی و اجتماعی را هدف نگرفته است اما این دلیل زمانی تام و تمام است که ادعای مطرح به نحو کامل اثبات شده باشد، اینکه فقط چند مصداق ذکر شود و از آن‌ها یک نتیجه کلی اخذ شود مستلزم گسترده‌تر بودن نتیجه از مقدمات است که مقبول نیست این شیوه استدلال عینا به همان اندازه که بر غیر مسلمانان صدق می‌کند بر مسلمانان نیز صادق است در نتیجه باید همان نتیجه را به اینان نیز تسری داد، و در عالم اسلامی نیز در هیچ حوزه‌ای با وحدت روش مواجه نیستیم بعلاوه این که ادعا بکنند اساطین حکما یونان در پرتو تعالیم انبیا به معارف بلند الهی دست یافته‌اند هم از نظر سند مخدوش و باطل است و هم استشهاد به آن به ملاصدرا صحیح نیست. آقای سبحانی تصریح دارند که "تشخیص مصالح و مفسدات زندگی در پرتو تعالیم وحی دینی حاصل شده است" (سبحانی، ۱۳۹۴، ص، ۲۵۱). این عبارت تشخیص را در عهده دینداران می‌گذارد نه دین و این خود دینداران هستند که در پرتو دین و تعالیم آن مصالح و مفسدات را تشخیص می‌دهند. دلیل سوم در باب قلمرو دین اسلام را باید در خاتمیت یافت. مساله خاتمیت را هم می‌توان از منظر علت انگارانه تحلیل نمود و هم از منظر غایت انگارانه، در این منظر اخیر باید علت نیازمندی و عدم آن به وحی را با جستجو در اوصاف و خصوصیات دین و منابعی که دین در اختیار بشر نهاده پیدا نمود.

آقای سبحانی در تحلیل خاتمیت در پرتو عقل و وحی با اخذ ختم به معنای دست یافتن و رسیدن شی به آخر و مهر کردن (سبحانی، ۱۳۹۴، ص، ۳۱۱). ختم نبوت و رسالت را به معنای به انتها رسیدن رسالت آن هم

به دلیل شمول آن به حیات فردی و جمعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی وی می‌دانند و در پاسخ به این پرسش که پس مقتضیات زمان، تکامل جوامع بشری و گسترش نیازمندی‌های انسان را چه باید کرد؟ برای جاودانگی و تشریح قوانین اسلامی اموری را بیان می‌کنند که جامعیت فی‌الجمله را در برابر جامعیت بالجمله و عدم جامعیت به ذهن تداعی می‌کند؛ به این معنا که اولاً قرآن جامع همه علوم در همه حوزه‌ها و معارف بشری و در همه عرصه‌ها و در همه سطوح خرد و کلان نیست تا ما را از دیگر علوم بی‌نیاز بکند. بلکه به واسطه حجیت عقل بشری با گشودن اجتهاد و ذکر اصول، اخذ فروع و جزئیات را در عهده انسان قرار داده است (همان، ص ۲۱۴-۲۱۵ و ۲۱۲، همان، ص ۲۶۹-۲۷۱). این پاسخ آقای سبحانی اولاً سخن نو و جدیدی نیست بیش از نیم قرن هست که دین‌شناسان معاصر به این راهکار اشاره می‌کنند اما از نظر منتقدان سخن بر وجود یا عدم حکم نیست بلکه همه سخن بر سر وجود برنامه هست به این معنا که از حیث داشتن حکم کمبودی احساس نمی‌شود اما صرف بودن حکم به معنای گسترده بودن قلمرو اسلام نیست آنچه به اسلام جامعیت می‌بخشد و قلمرو آن به همه ابعاد وجودی انسان تسری می‌یابد وجود برنامه‌ای بدون با راهکاری مشخص است که باید از نص دین استنباط و استخراج گردد. (بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۸۶) (سروش دباغ، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳). لذا با توجه به توضیحات فوق لازم است که آرای دین‌شناسانه علما و در راس آنها در این تحقیق عالم بلندمرتبه آیت الله سبحانی به خوبی موشکافی شده و مفهوم قلمرو دین با نگاهی دقیق تر مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

در زمان معاصر با توجه به پیشرفت‌های حاصل شده در حوزه انسان‌شناسی و شناسایی ابعاد وجودی وی شرایط ایجاب می‌کند که مساله قلمرو دین بار دیگر با نگاهی دقیق تر مورد بررسی قرار گیرد

۴-۱. پیشینه نظری تحقیق

در خصوص این پژوهش موارد مشابه‌ای یافت نشده است.

۵-۱. سوال‌ها

۱- قلمرو دین و به تبع آن جامعیت دین تا کجاست و به چه معناست؟

۲- نظر آقای سبحانی در باب جامعیت دین بر مبنای قلمرو دین چیست؟

۳- دلایل آقای سبحانی در سازگاری با جامعیت دین چگونه است؟

۶-۱. فرضیه‌ها

۱- در خصوص قلمرو دین و جامعیت آن در حوزه دین‌شناسی با وحدت نظر مواجه نیستیم در یک نگاه همه آنچه را انسان نیاز دارد در نص قرآن موجود است و در نگاه دیگر به معنای هر آن چیزی است که دین عهده‌دار پذیرش آن شده و در متن وحی نیز بیان شده است.

۲- آقای سبحانی همانند قریب باتفاق دین‌شناسان معاصر قائل به جامعیت فی‌الجمله است به این معنا که اصول و مبانی مورد نیاز بشر در متن وحی آمده و دین‌شناسان باید با کمک عقل و اجتهاد در زمان‌های مختلف جزئیات را از آن استنباط کنند.

۳- به نظر می‌رسد برخی از دلایل ایشان اخذ از مدعایشان می‌باشد و برخی دیگر نتایج دلایل اعم از مقدمات است.

۷-۱. روش انجام تحقیق

روش در این تحقیق تحلیلی توصیفی و انتقادی است به این معنا که نظرات آقای سبحانی بر مبنای مبانی آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۸-۱. روش گرد آوری اطلاعات

روش ما این گونه است که در مرتبه نخست با مراجعه با آثار آیت‌الله سبحانی نظرات ایشان استخراج و با دسته‌بندی آن‌ها ضمن مقایسه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

فصل دوم

مفهوم دین و جامعیت و

قلمرو آن

در ابتدا جهت پرتو افکندن به این پژوهش لازم است به برخی از اصطلاحات و مفاهیم اساسی تحلیلی داشته باشیم تا عیان گردد که اندیشمندان و دین پژوهان معاصر مفهوم دین و مفاهیم مرتبط را به کدامین معنا اخذ می کنند.

۲-۱. مفهوم دین

درباره دین نمی توان به یک تعریف جامع که مورد پذیرش به اصطلاح همه ادیان باشد، دست یافت، زیرا دین، یک معنی گسترده ای در میان غربیان و پیروان ادیان شرقی پیدا کرده است که به زحمت می توان وجه جامعی میان آن ها یافت که در ادامه به مواردی از آنها اشاره می شود:

در ادیان الهی خداوند و اوصاف او وجه مشخصه دین به حساب می آید لذا دین پژوهانی که به دین الهی نظر دارند مفهوم خدا و برخی از اوصاف او وجه مشخصه مفهوم دین بحساب می آید.

- جیمز مارتینو: دین به مثابه اعتقاد داشتن به خدایی جاودانه است، به عبارتی اعتقاد داشتن به این امر که حکمت و اراده الهی بر جهان غالب می باشد، خدایی که با بشر دارای پیوندها و اشتراکات اخلاقی است. همانطور که عیان است وجه غالب این تعریف اشاره به خدای سرمدی و تدبیر جهان بر مبنای حکمت و اراده الهی است و در عین اشاره به نوع رابطه خدا با انسان دارد که از نوع اخلاقی است.

- هربرت اسپنسر: دین به منزله قبول کردن این موضوع است که تمامی اشیاء در جهان هستی تجلی قدرت الهی بوده و فراتر از شناخت آدمی می باشند. اسپنسر هر چند در تعریف دین به خدا اشاره دارد اما در عین حال از یک نگرش عرفانی نیز کمک می گیرد مبنی بر آنکه همه اشیاء تجلی خدا و اشراقی از جانب اوست.

- جی. فریزر: ایشان بیان کرده اند که من دین را چنین شناختم که نوعی درخواست یاری و دلجویی از قدرت هایی است که از قدرت آدمی برتر بوده و به مثابه اعتقاد بر این امر است که جریان حرکتی طبیعت و حیات آدمها را هدایت و کنترل می نماید.

- اف. اچ. برادلی: از نظر ایشان، دین تلاشی برای نمایش دادن واقعیت کامل خیر از طریق جنبه های وجودی آدمی می باشد.

- ماتیو آرنولد: دین نشان دهنده اخلاقیاتی است که به مدد احساسات، رشد یافته، برانگیخته و نمایان شده است (الستون، ۱۳۷۶، ص. ۲۰).

به طور مسلم این تعریف‌ها با آنچه که در قرآن درباره دین وارد شده فاصله زیادی دارد. گروهی که دین را در مسائل اخلاقی و فردی خلاصه می‌کنند، نمی‌توانند با دینی که می‌گوید برای همه زوایای زندگی بشر از طرف وحی الهی برنامه ریزی شده است، به توافق برسند. از این جهت ما فقط به تفسیر دین از دیدگاه قرآن می‌پردازیم که در این آیه وارد شده است. *إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ*. (آل عمران/۱۹).

دین یک واژه عربی است و در فرهنگ لغت معانی همچون، راستگارشدن، اطاعت نمودن، پاداش، عادت، حسابرسی، پرهیزکاری، ملت و آیین، وسیله پرستش خداوند، چیرگی و برتری، رویه و عادت آمده است. بر اساس دیدگاه آیت‌الله سبحانی خداوند به هر موجودی راه رسیدن به کمال او را نشان داده است: *ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هد (طه/۲۰)*.

از منظر او دین جلوه هدایت الهی در مورد بشر است که راه رسیدن او به کمال مطلوبش را به او نشان می‌دهد. بنابراین اگر کتب آسمانی از قبیل انجیل و تورات و قرآن به عنوان کتاب‌های هدایت توصیف شده‌اند به این دلیل است که احکام و آداب دینی را در بردارند.

جهان‌بینی دینی کامل‌ترین نوع جهان‌بینی به شمار می‌رود که انسانها می‌توانند به آن نائل شوند. زیرا بدون داشتن این جهان‌بینی، تکامل در حوزه علم و عمل میسر نمی‌شود و آدمی برای به دست آوردن کمالات در حوزه علم و عمل مطمئناً بی‌نیاز از دین نمی‌باشند. به همین دلیل برهان‌ها و دلایلی که در متون دینی و کتب فلسفی آورده شده در حقیقت شرح و تفسیر دلایل بنیادین مذکور است (سبحانی، ۱۳۷۴، ص. ۱۴۵).

دین یک شناخت و معرفت همه جانبه است برای تکامل انسان، که ابعاد چهارگانه دارد. ابعادی مانند فکر و عقیده، پروراندن اصول عالی اخلاقی - انسانی، حسن روابط بین افراد اجتماع و حذف کردن هرگونه تبعیض‌های ناشایست از این ابعاد می‌باشد. (سبحانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۹).

بر اساس تعریف فوق لازمه دین اعتقاد به خالق و خالق‌ی برای جهان و ارائه دستورات عملی متناسب با زندگی در جهان است. با این وجود می‌توان دین را مجموعه‌ای از گزاره‌هایی دانست که می‌تواند مورد باور و عمل قرار گیرد آنچه که در درون آدمی و در ذهن و قلب انسان می‌باشد ایمان و معرفت دینی است. نه خود دین، دین یک مفهوم انتزاعی و ذهنی است از مجموعه گزاره‌ها، که می‌تواند مورد علم و باور قرار گیرد. انسانی مومن به آن‌ها معرفت، اعتقاد و باور دارد و انسانی که ایمان ندارد و مومن نیست فقط می‌تواند آن را بفهمد و بشناسد. لذا، دین به مثابه امری است که هم می‌توان آن را حس کرده و شناسایی کرد و هم می‌توان به آن اعتقاد و باور پیدا نمود. بعلاوه بر اساس تعریف فوق باید گفت که با یک نگاه غایت انگارانه به دین نگرینسته

شده به این معنا که مجموعه شناخت و باور همه جانبه باید در راستای تکامل انسانی باشد و سبب به ظهور رسیدن و فعلیت یافتن قوه های انسانی بشود و انسان را به آن مقصد و منزل مقصود برساند که در حقیقت همان سعادت و رستگاری انسان مومن می باشد.

۲-۲ نگاه اندیشمندان معاصر به دین

بسیاری از تعاریفی که از دین صورت می گیرد برخواسته از نگاه دین شناس به دین است و اینکه غایت و هدف دین چیست و قلمرو آن تا کجاست بر همین مبنا دین را با غایت محوری تعریف می کنند. از نظر متکلمان و دین پژوهان معاصر دین مجموعه ای از عقاید و دستوره های علمی و اخلاقی و اعتقادات و مقرراتی است که به زندگی انسان جهت می دهد در واقع دین اصل راهنمایی برای زندگی عملی انسان به شمار می رود که انبیای الهی آن را از جانب خداوند قادر و متعالی به منظور راهنمایی و هدایت بشر آورده اند. آشنایی با این عقاید و انجام صحیح این دستورات الهی می تواند موجبات خوشبختی انسان در دنیا و آخرت را فراهم کند. دین نیز همانند فلسفه و علم ... روش مخصوصی پیش بشریت می نهد تا زندگی خویش را بر اساس آن بنا نهد و البته چنین زندگی متدینانه باید در راستای جهان دیگری شکل بگیرد که جهان آخرت باشد و دین ادعا دارد زندگی مومنانه سبب خوشبختی و رستگاری انسان در آخرت می شود و چنین حیاتی حیات طیبه نام می گیرد.

از منظر آیت الله جوادی آملی، مقوله دین هم با نگاه به کننده و فاعل و هم با نگاه به غایت هستی و قلمرو دین قابل شناسایی می باشد. بنابراین دین از نظر ایشان مجموعه ای از آرا و عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی می باشد که از جانب خداوند کریم به منظور هدایت و رستگاری بشر ارسال شده است. بنابراین، دین ساخته شده و ارایه شده و معجول الهی می باشد. به عبارتی دین و قوانین و محتوای حقوقی آن توسط خداوند تشریح و ارائه شده است. همان گونه که محتوای اخلاقی و اصول اعتقادی دین نیز از جانب خداوند تعیین و در اختیار آدمی قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

دین از نگاه آیت الله مصباح یزدی نیز مجموعه اخلاق، قوانین، عقاید، و اعتقاد به خالق برای جهان هستی و بشر و اوامری متناسب با این عقاید می باشد که خداوند مهربان آن را برای هدایت بشر ارسال کرده تا آدمی درسایه آموزه های آن، هوای نفس و هوس خود را کنترل کرده و آزادی های واقعی و کمال خویش را تامین نماید. دین الهی، در واقع به انسان و نیازهای او عنایت کامل داشته و برنامه های کامل و منسجم و همه شمولی را برای وی ارائه می کند تا بتواند همه انتظارات و نیازهای آدمی را برطرف کند. از این رو کسانی که معتقد به خالق نیستند و ایجاد پدیده های جهان را مادی و تصادفی می دانند بی دین می باشند و آنهایی که معتقد به

خالقی برای هستی می‌باشند دین‌دار بوده، هر چند اعتقادشان توأم با خرافات و بدعت باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص. ۲۸).

در اینجا جناب مصباح دین را هم از حیث فاعل و هم از حیث غایت می‌نگرند به این معنا که در تعریف دین علاوه بر آنکه خدا را بعنوان فاعل و جاعل دین در نظر می‌گیرند جهان را هم نیز رو بسوی غایتی که همان خدا باشد لحاظ می‌کنند و در حقیقت به خدا بعنوان مبدا و منتها در نظر دارند. و از این حیث شرط تحقق دین را نفی تصادف نیز می‌دانند.

مطهری دیگر دین پژوه و اندیشمند و فیلسوف معاصر دین را بر مبنای ایدئولوژی می‌نگرد از نگاه این شهید بزرگوار دین یک ایدئولوژی است که تکیه آن بر سرشت و ذات روحانی آدمی یعنی بر شناساندن انسان به عنوان مخلوق برتر استوار می‌باشد، همچنین تاکید این مقوله بر آگاهی دادن به آدمی به منظور شناسایی سرشت خود و پروراندن این جنبه وجود انسان به منظور برقرار کردن تعادل میان جنبه های وجودی انسان است. دین در اینجا همگام با فطرت و سرشت انسان شکل می‌گیرد (مطهری: ۱۳۷۶، ص. ۱۲).

کلمه دین که در لغت به معنای آیین و اطاعت و جزا است بر مجموعه از عقاید و اخلاقیات و احکام و قوانین فردی و اجتماعی دلالت دارد و ادیان الهی و آسمانی، ادیانی هستند که از جانب خدای عزوجل به انبیا و پیغمبران نازل شده است. بنابراین، مسائل دینی اتکاء وحی و اخبار منبع قابل اعتماد اثبات می‌شود و منظور از جهان بینی دینی آن نوع جهانی است که مستند به وحی الهی باشد.

دکتر سروش اندیشمند روشنفکر و دین پژوه معاصر با نگاهی متفاوت به دین می‌نگرد و دین را امری راز آلود و کاملاً سری بیان می‌کند و معتقد است دین دستگاهی از نمادهای (symbols) مقدس است در عرصه دین همواره امری مقدس محترم و مقدس وجود دارد. تفکر دینی اشیاء را به نوع مقدس و غیرمقدس تقسیم می‌کند این تقدیس و تقدس به دستگاه نمادها نیز سرایت می‌کند و سمبل‌ها (مکان‌ها و زمان‌ها) نیز به تبع حقایق، مقدس و غیر مقدس می‌شوند و به سبب تعلقی که به همان حقایق دارند با حکایتی که از آن‌ها می‌کنند مشمول احترام و تحریم مومنان قرار می‌گیرند. آداب مناسک دینی نیز آرایی مقدس و سمبلیک هستند که دینداران خود را ملزم و مکلف انجام آن‌ها می‌دانند بنابراین دین امری راز الود و معطوف به امری مقدس است که به صورت نمادین متجلی می‌شود. (سروش، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۶).

۲-۳ جامعیت دین

جامعیت در لغت به معنای فراگیری، عمومیت، کلیت، مالکیت و غیره می‌باشد (صدری افشار، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۳۹۰) و این واژه در اصطلاح دین شناسان معنای متفاوت‌تری دارد و به این معنی است که در آن از هیچ نکته و مسأله‌ای که در راستای سعادت دنیوی و اخروی زندگی انسان لازم باشد غفلت نشده است و هر چیز لازم و ضروری را در دین می‌توان یافت.

جامعیت و بحث در مورد جامعیت را از حیث تاریخی در مرتبه نخست باید در سنت حدیثی و در نزد صحابه‌ای چون ابن مسعود جست و جو کرد و آن دسته از اندیشمندان که برای اثبات جامعیت به کتاب خداوند مراجعه می‌کنند معمولاً بیشتر به آیه ۸۹ سوره نحل استناد می‌کنند. در این آیه شریف خداوند خبر می‌دهد که قرآنی که بر شما نازل کردیم بیان هر چیزی در آن آمده است و در عین حال مایه راهنمایی و نزول رحمت و مژده برای مسلمانان می‌باشد. "و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین" (نحل/۸۹). طبری در ذیل همین آیه از جناب مسعودی نقل می‌کند که در این قرآن هر علمی و هر چیزی نازل شده است. "انزل فی هذه القرآن کل علم و کل شیء" (طبری، ۱۴۱۲، جلد ۱۴، ص ۱۰۸)

در مورد جامعیت حدود و معنای آن بحث و بررسی‌های فراوانی صورت گرفته است و اینکه در لسان دین پژوهان، دین اسلام جامع است آیا به معنای کامل هم هست؟ جامع چه چیزهایی؟ آیا جامع به این معنا است که هر آنچه بشر لازم دارد؟ و یا به معنای آن است که هر آنچه را بشر برای سعادت و رستگاری لازم دارد در بردارد؟ به عبارت دیگر جامعیت دین اسلام حداقلی است یا حداکثری؟ دین، حداقل ابزارهای لازم برای زندگی را آورده است یا حداکثر همه آنچه را انسان لازم دارد به بشر تقدیم نموده است؟ قرآن پژوهان معاصر در عین اختلاف در این مورد آثار فراوانی از کتاب و مقالات نگاشته‌اند و اگر جامعیت را به معنای حداکثری آن اخذ کنیم به این معنا است که متن مقدس علاوه بر علوم الهی، تمام علوم مورد نیاز بشر را از قبیل فلسفه و نجوم و علم تجربی و حسی و غیره شامل می‌شود و در این نگاه باید انتظار ظهور همه علوم را از قرآن داشته باشیم ابو حامد غزالی از نخستین افرادی است که به این موضوع پرداخته است و معتقد است که اساس تمام علومی مانند طب و سحر و طلسمات و غیره در قرآن می‌باشد. (غزالی، بی تا، ص ۲۵). و استناد ایشان نیز به آیه ۸۹ سوره نحل می‌باشد که در بالا آوردیم. از این منظر وقتی می‌گوییم قرآن جامع است یعنی اینکه انسان هر آنچه نیاز دارد در قرآن هست نیازهای دینی و نیازهایی که وصف دینی ندارند.

اما اگر در صدد باشیم با نگاه حداقلی به معنای جامعیت دین بنگریم به این معنا است که ابتدا باید ببینیم غایت و هدف نهایی دین چیست؟ و دین اساساً برای چه نازل شده است؟ و کدامین هدف یا اهداف را خواسته